

بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۳، نشست دهم فقه سیاسی، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شانزدهم، تابعیت ملی.

تابعیت ملی

اعتبار مرزهای جغرافیایی

مسئله شانزدهم دربارهٔ تابعیت ملی است. این مسئله از لحاظ برخی ضوابط فقه امامیه از مسائل مهم فقه سیاسی است. در مسئله شانزدهم دو بحث وجود دارد: اول، اعتبار و عدم اعتبار مرزهای ملی و جغرافیایی (در مقابل مرز اعتقادی و دارالسلام و دارالکفر) است. دوم، اعتبار و عدم اعتبار تابعیت اشخاص بر اساس مرزهای جغرافیایی است. بحث اول در گذشته ذیل مسئله پنجم کتاب فقه سیاسی پاسخ داده شده است. برای پرداختن به مسئله دوم در ابتدا گزارشی مختصر از مسئله اول ارائه می‌شود: دربارهٔ اعتبار و عدم اعتبار مرزهای جغرافیایی میان فقها سه نظر وجود دارد:

نظر اول آن است که چیزی به نام مرزهای جغرافیایی اعتبار ندارد و ساخته و پرداخته استعمار جهانی است و فاقد پایگاه دینی است. آنچه در دین معتبر است مرز اُمّی است؛ یعنی مرز امت اسلام (دارالسلام) و غیر آن (دارالکفر). بر اساس این نظر مرزهای جغرافیایی جزو احکام وضعی است و اضطراب در آن نیز موجب تغییر حکم نمی‌شود.^۱

نظر دوم آن است که بر اساس طبع اولی چیزی به نام مرز جغرافیایی وجود ندارد، اما بر اساس طبع ثانوی و در موقعیت کنونی مرزهای جغرافیایی معتبر هستند؛ به عبارت دیگر، به آن دلیل که در زمان حاضر

^۱ از جمله قائلین به این نظر سید محمد حسینی شیرازی است: «(لا حدود بین بلاد الإسلام: وبعد أن عرفنا سابقاً أنه لا حدود بين المسلمين إطلاقاً، فكل أرض الإسلام بلد لكل مسلم، وأن هذه الحدود كلها مصنوعة، عاملها الجهل الداخلي والاستعمار الخارجي، نقول: كل مسلم لابد له أن يهتك هذه الحدود حسب إمكانه، لأنه من باب دفع المنكر والنهي عنه، فالواجب على المسلمين خرق قوانين الحدود، وليس من يدخل بلداً آخر من بلده بدون المراسيم متسللاً، وإنما هو فاعل لما هو حقه الطبيعي، كمن يدخل من غرفة من غرف داره إلى غرفة أخرى، واللازم تخصيص التقيد بالمراسيم الحدودية بصورة الاضطرار، وإلا كان المقيد بها فاعلاً للمنكر، حاله حال من يأكل الميتة في حال الاختيار)». [الفقه، ج ۱۰، ص ۱۷۰](#).

پاییند بودن عدم اعتبار مرزهای جغرافیایی ممکن نیست، از باب اضطرار مرزهای جغرافیایی معتبر هستند.^۲

نظر سوم آن است که بر اساس ادله‌ای از آیات قرآن در حالت اولی و بدون اضطرار نیز مرزهای جغرافیایی معتبر هستند. به عبارت دیگر، بر اساس نظر سوم مرزهای ملی و جغرافیایی به عنوان اصلی مطلوب پذیرفته شده است.

بر اساس نظر صحیح ادله قائلین به نظر سوم اثبات‌کننده مدعای آنان نیست و در حالت اولی مرزهای جغرافیایی فاقد اعتبار شرعی هستند و در نهایت می‌توان به نظر دوم پاییند شد.

تابعیت ملی

تابعیت بر اساس تقسیم کلان دارای سه قسم است: تابعیت ملی، اُمّی و قراردادی.

تابعیت ملی عبارت است از نوعی ارتباط سیاسی میان دولت (مدرن) و ساکنان سرزمینی آن دولت. در تابعیت ملی سه عنصر وجود دارد: شخص، دولت واحد و سرزمین. تابعیت اُمّی یعنی تابعیت بر اساس امت؛ در این قسم دارالاسلام و دارالکفر مطرح می‌شود. تابعیت قراردادی در جایی است که شخصی می‌خواهد به طور موقت (کوتاه مدت یا بلند مدت) شهروند یک کشور محسوب شود. به قسم اخیر اقامت نیز گفته می‌شود. البته، اگر تابعیت آن شخص دائمی باشد به تابعیت ملی ملحق می‌شود. آنچه مورد بحث است قسم اول تابعیت، تابعیت ملی است.

تابعیت در نظام حقوقی ایران

در اصل چهل و یک قانون اساسی آمده است:

^۲ از جمله قائلین به این نظر مرحوم منتظری است: «هرچند به حسب حکم اولی انفال از اموال عمومی و اختیار آن از آن خدا و رسول و امام است اما باید به این نکته توجه داشت که این معنا مقتضی تشکیل يك حکومت حقّه جهانی است؛ در حالی که در واقعیت خارجی چنین امری به هر دلیل تحقق نیافته و مرزهایی با حکومت‌های گوناگونی معین شده و اهل هر سرزمین منطقه خاصی را به عنوان وطن و کشور خود قبول کرده‌اند. با این فرض، چنانچه این مرزبندی‌ها مورد تأیید همگی یا اکثریت مردم جهان قرار گرفت، قبول آن با آگاهی از انفال هر کشور و منطقه به منزله قبول لوازم آن می‌باشد؛ و همان‌گونه که یکی از لوازم آن، تعیین مقررات برای رفت و آمد به کشورها و لزوم اخذ گذرنامه و امثال آن است، از دیگر لوازم قبول مرزبندی‌ها قبول این اصل است که انفال هر کشور متعلق به اهل همان کشور باشد. درحقیقت پذیرش عملی نظم کنونی بر جهان مستلزم امر فوق خواهد بود؛ و قبول این نظم از باب ضرورت اجتماعی و غیر قابل انکار است.» حکومت دینی و حقوق انسان، ص ۴۴، ۴۵.

«تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»

در اصل چهل و دوم قانون اساسی چنین آمده است:

«اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.»

در ماده ۹۷۶ قانون مدنی نیز آمده است:

«اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱. کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند.

۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.

۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.»

بنا بر آنچه گذشت، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی مرز جغرافیایی و تابعیت پذیرفته شده است.